

بررسی تطبیقی میزان شیوع طلاق و درجهٔ قباحت آن

در کتاب های آسمانی

قرآن کریم ، عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل)

رضا کیانی^۱

چکیده

امروزه طلاق به یکی از پدیده های مهم و حائز اهمیت جوامع امروزی مبدل شده و به تبع آن بررسی و مطالعه دربارهٔ آن نیز گسترش یافته است. این نکته در مطالعات جمعیتی نیز صادق است و جمعیت شناسان در تحقیقات خود به این مفهوم پرداخته اند ، چرا که طلاق می تواند بر عامل جمعیت هم تأثیر گذار باشد. از دیگر سو، ادیان - بخصوص ادیان ابراهیمی - به این مفهوم توجه ویژه نشان داده و می توان در آثار مکتوب این ادیان ، آیات و فرامین بسیاری در خصوص طلاق و گسستهای زناشویی سراغ گرفت. تردیدی نیست که رویکرد این گونه کتابها ، نقش تعیین کننده ای در باورها و تفکرات پیروان آن ادیان داشته است. چرا که کتابهای آسمانی ادیان ، به عنوان منبع اصلی و اساسی ادیان محسوب شده و اندیشه و رفتار مردمان ، ریشه در آن دارد. در بررسی حاضر نیز کوشش شده است با مراجعه به متن قرآن کریم ، عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) که از کتابهای آسمانی سه دین بزرگ و کهن اسلام ، یهودیت و مسیحیت محسوب می شوند به مطالعه مفهوم طلاق پرداخته و نظر این سه کتاب در این خصوص به صورت مقایسه ای بررسی گردد.

روش تحقیق در این پژوهش اسنادی (کتابخانه ای) است.

یافته های این پژوهش نشان می دهد مفهوم طلاق در کتب آسمانی هر سه دین مذکور نمود داشته و در خصوص آن ، آیات و فرامین بسیاری ذکر شده است.

واژگان کلیدی

اسلام - مسیحیت - یهودیت - قرآن - عهدعتیق - عهد جدید - جمعیت شناسی - طلاق و

گسستهای زناشویی.

مقدمه

از فروپاشی پیوند زناشویی، بین زوجین تحت عنوان گسست زناشویی یاد می‌شود. در تعریفی دیگر، «شکستن واحد خانواده و تجزیه نقشهای اجتماعی در نتیجه آن، که یک یا تنی چند از اعضای خانواده به طور ارادی یا غیر ارادی تکالیف ناشی از نقش خود را آن طور که باید و شاید انجام ندهند را گسست زناشویی نامند.» (گود، ۱۳۵۲، ص ۲۴۸). شایعترین نوع گسست زناشویی - که در جمعیت‌شناسی نیز حائز اهمیت است - طلاق خوانده می‌شود. به عبارت دیگر، یک ازدواج رسمی و قانونی به وسیله طلاق خاتمه پیدا می‌کند. در تعریف طلاق آمده است: «انحلال رابطه زن و شوهری در ازدواج دائم که به دنبال آن از نظر رعایت حقوق و تکالیف زناشویی، مسئولیتی برای زن و شوهر وجود ندارد طلاق نامیده می‌شود.» (بهشتی، ۱۳۵۸، ص ۳۲۲). به طور کلی در ادیان الهی طلاق امر مطلوبی نیست و در کراهت آن آیات فراوانی وجود دارد. در قرآن، تورات و انجیل نیز، آیات بسیاری وجود داشته که در آنها به دوری از طلاق توصیه شده است.

بیان مسأله

طلاق از مفاهیمی است که همواره مورد توجه بسیاری از علوم و رشته‌ها بوده و متخصصان رشته‌های مختلف بدان پرداخته‌اند. این مفهوم در جمعیت‌شناسی نیز مفهوم مهمی به حساب می‌آید چرا که می‌تواند بر روند باروری - یکی دیگر از مفاهیم مهم جمعیتی - تأثیر گذار باشد.

در ادیان و جوامع دینی نیز مفهوم طلاق مهم ارزیابی می شود چرا که در آموزه های مکتوب ادیان به این مفهوم اشاره شده است .

ادیان ابراهیمی، اسلام، یهودیت و مسیحیت، نیز همین گونه اند و در کتابهای مقدس آنها به طلاق توجه شده که در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار می گیرند .

یافته های این پژوهش حاکی از آن است که در کتب مقدس سه دین بزرگ و کهن: اسلام، یهودیت و مسیحیت مفهوم طلاق وجود داشته و آیات و احکامی در این خصوص آورده شده است.

اهمیت تحقیق

باید توجه داشت که موضوع طلاق و گسستهای زناشویی از مفاهیم و موضوعات مهم و اساسی جمعیت شناسی ست و جمعیت شناسان همواره بدان توجه داشته اند. از دیگر سو، بررسی موضوع طلاق از منظر آموزه های مکتوب سه دین اسلام، یهود و مسیحیت، از آن نظر که این آثار مکتوب، پایه و اساس اندیشه و رفتار پیروان سه دین مذکور می باشد، واجد اهمیت بسیار است.

روش تحقیق

برای حصول به اهداف این بررسی ، از روش اسنادی (کتابخانه ای) استفاده شده است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی از این پژوهش، بررسی دیدگاه سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت بر اساس آموزه های مکتوب و کتابهای آسمانی قرآن، تورات و انجیل، درباره مفهوم طلاق است. همچنین این پژوهش در نظر دارد به مقایسه نظر این سه کتاب درباره مفهوم طلاق بپردازد.

الف) میزان شیوع طلاق و درجه قباح آن در قرآن کریم

همانطور که پیش از این اشاره شد طلاق در نزد ادیان الهی، پسندیده نبوده و در کتابهای آسمانی ادیان، شواهدی حاکی از کراهت و قباح آن به چشم می خورد. این امر می تواند در انجام طلاق موثر واقع گردد. چرا که طلاق در بین جوامع مذهبی شیوع چندانی ندارد. در قرآن نیز این مفهوم پسندیده نبوده و به دوری از آن اشاره شده است. با بررسی آیات قرآن کریم می توان اینگونه ادعا نمود که کتاب آسمانی قرآن به همان اندازه که به ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت داده، از فروپاشی آن بیزار و متنفر است. بر همین اساس در آیات این کتاب آسمانی ذکر شده هنگام اختلافات زناشویی در صورتی که پیش بینی می شود اختلافات بالا بگیرد بهتر است داوری از جانب مرد و زن به موضوع رسیدگی کرده و آن را حل و فصل نمایند. در سوره مبارکه نساء آمده است:

« چنانچه بیم آن دارید که نزاع و خلاف سخت بین زن و شوهر پدید آید ، از طرف خانواده مرد و خانواده زن داوری انتخاب کنید ، اگر نیت صلاح در کار باشد، تا خداوند آن دو را به اصلاح موفق

فرماید ، که خداوند بر همه دانا و از همه چیز آگاه

است.»
سوره نساء ، آیه ۳۵

با وجود این، در برخی اوقات تفاهم بین زوجین امکان پذیر نیست و امید اصلاح و بهبودی نیز وجود ندارد، در این صورت راه طلاق باز است و زن و شوهر می توانند از هم جدا شوند. در سوره مبارکه بقره آیه ۲۲۷ در این خصوص می خوانیم:

« و اگر تصمیم به طلاق گرفتند [آن هم گناه ندارد]،

همانا خداوند آن شنونده داناست. »

سوره بقره ، آیه ۲۲۷

همچنین در سوره مبارکه طلاق ضمن آنکه از مردان خواسته شده به ادای حقوق زنان همت گمارده و به آن توجه داشته باشند، توصیه شده است که زنان را از خود دور نکنند مگر آنکه مرتکب عمل نادرست و زشتی شده باشند:

« و آن زنان را از خانه بیرون مکنید، مگر آن که کار زشتی آشکار

مرتکب شوند. این حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به

خویشتن ظلم کرده است. تو ندانی شاید خدا کاری از نو پدید آرد.»

سوره طلاق ، آیه ۱

همچنین در قرآن آمده زن می تواند پس از جدائی از شویش، مجدداً ازدواج کند و مرد نمی تواند همسر مطلقه خود را از ازدواج منع کند:

« و چون زنان را طلاق دادید و زمان عده آنها به پایان رسید، آنها از اینکه با

شوهرانشان زناشوئی کنند، منع نکنید.»

سوره بقره، آیه ۲۳۲

رعایت اخلاق اسلامی در طلاق

در قرآن کریم آیاتی ذکر شده که به قوانین و احکام طلاق اشاره دارد که مسلمین را به اجرای آن ملزم می نماید.

از مهمترین احکام مربوط به طلاق که کتاب قرآن بدان اشاره دارد، رعایت اخلاق اسلامی است. بر اساس آیات قرآن، مرد و زن باید، هم در زناشویی و هم، در طلاق حرمت همسر خود را نگاه داشته و به حق و حقوق هم احترام گذارند. در این خصوص در سوره بقره آمده است:

«چون زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدید، یا به نیکویی نگاهشان دارید، یا به نیکویی رهایشان سازید، و برای ضربه زدن و زیان رساندن نگاهشان مدارید تا ستم کرده باشید، و هر که چنین کند بر خود ستم کرده و آیات خدا را به شوخی و ریشخند مگیرید، و نعمتی را که خداوند به شما ارزانی داشته و آنچه از کتاب و حکمت بر شما فرو فرستاده که شما را بدان پند می دهد به یاد آرید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به همه چیز آگاه است.»

سوره بقره، آیه ۲۳۱

ایلاء:

یکی دیگر از احکام مرتبط با طلاق که در قرآن هم بدان اشاره شده «ایلاء» است و آن قسمی از سوی مرد است تا به مدت بیش از چهار ماه از آمیزش با همسرش خودداری کند.

در گذشته ایلاء برای تنبیه زنان و ناراحت کردن و ضرر رساندن به آنها از سوی مردان اجرا می شد. زنی که اینگونه مورد مجازات قرار می گرفت حق آمیزش با مرد خود را

نداشت، همچنین نمی توانست با مرد دیگری ازدواج کند. خداوند در خصوص این گونه سوگند ها به مردان توصیه می کند:

« خداوند را در معرض سوگند های خود قرار ندهید که ترک نیکی و تقوا کنید و میان مردم اصلاح نکنید. »
سوره بقره، آیه ۲۲۴

اما چنانچه مردی قصد داشت اینگونه با همسرش رفتار کند دو راه در برابر خود دارد: یا آنکه قسم خود را شکسته و کفاره دهد یا اینکه با احترام زنش را طلاق دهد. در سوره مبارکه بقره آیات ۲۲۶ و ۲۲۷ در این خصوص چنین می خوانیم:

« کسانی که بوسیله سوگند از زنان شان کناره گیری می کنند، چهار ماه فرصت دارند، اگر بازگشتند خداوند آمرزنده و مهربان است (۲۲۶) و اگر تصمیم به طلاق گرفتند خداوند بر کارشان شنوا و داناست.
سوره بقره، آیات ۲۲۶-۲۲۷ » (۲۲۷)

ب) میزان شیوع طلاق و درجه قباحت آن در عهد عتیق

در عهد عتیق با موارد نادری از طلاق بر می خوریم ، چرا که این کتاب طلاق را پدیده ای ناپسند خوانده ، از این رو در کراهت و قباحت آن آیاتی به چشم می خورد. چنانچه در باب دوم از کتاب ملاکی، نفرت خداوند از طلاق آمده است:

« خداوند، خدای اسرائیل می فرماید: «من از طلاق نفرت دارم، همچنین از مردان سنگدلی که زنان خود را طلاق می دهند، پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید.» ملاکی، ۱۶:۲

این آیه مردانی را که قصد طلاق زنانشان را دارند، سنگدل خوانده و به آنها هشدار داده، که هرگز به زنانشان خیانت نکرده و نسبت به آنها همواره وفادار باشند.

مقایسهٔ موقعیت زن و شوهر از نظر طلاق

در تورات آمده که مردان حق طلاق زنان را دارند. بر این اساس چنانچه مردی، قصد طلاق زنی را داشته باشد کافی است به او طلاقنامه ای بدهد. در این کتاب دلیلی حاکی از اینکه زن می تواند از مرد خود جدا شود نیامده است. در واقع، این مردان هستند که می توانند از زنانشان جدا شده، آنها را طلاق دهند. این نکته در آیاتی که در موضوع طلاق آمده، بخوبی نمایان است. در این آیات معمولاً مخاطب، مردان بوده و به آنها توصیه شده از زنان خود جدا نشوند، از مواردی که مرد می توانسته زن خود را طلاق دهد، زنا و خیانت زن است. در کتاب تثنیه آمده اگر در هنگام ازدواج مشخص شود عروس باکره نبوده، زن باید سنگسار شود. اما اگر این امر تهمتی از جانب مرد باشد، نه تنها مرد باید جریمه پرداخت کند، بلکه حق طلاق زن را نیز نخواهد داشت. همچنین اگر مردی به دختری که نامزد ندارد تجاوز کند، ضمن ازدواج با او هرگز حق طلاق آن دختر را نخواهد داشت.

نظر دو پیامبر عهد عتیق دربارهٔ طلاق

از آنجا که در عهد عتیق به طلاق سفارش نشده و از آن بعنوان پدیده ای ناپسند یاد شده است قوانین اندکی درباره آن به چشم می خورد. یکی از این قوانین از زبان حضرت موسی در کتاب تثنیه آورده شده است. بر این اساس، اگر مردی بعد از آنکه پیوند زناشویی با زنی منعقد نمود و به عللی از او راضی نبود، می تواند طلاقنامه ای به دست او

داده و از او جدا شود. اما چنانچه آن زن با کس دیگری ازدواج کند و پس از مدتی شوهر دوم آن زن بمیرد و یا او را طلاق دهد، شوهر اولش حق ندارد با او دوباره ازدواج نماید. در کتاب تثنیه از قول موسی می خوانیم:

« اگر مردی پس از ازدواج با زنی ، به علی از او راضی نباشد و طلاقنامه ای نوشته ، به دستش دهد و او را رها سازد و آن زن دوباره ازدواج کند و شوهر دومی نیز از او راضی نباشد و او را طلاق دهد یا بمیرد، آنگاه شوهر اولش نمی تواند دوباره با او ازدواج کند، زیرا آن زن نجس شده است . خداوند از چنین ازدواجی متنفر است و این عمل باعث می شود زمینی که خداوند ، خدایتان به شما داده است به گناه آلوده شود.»

تثنیه ، ۲۴ : ۱ - ۵

این مطلب در کتاب ارمیا نیز از زبان این پیامبر عهد عتیق آورده شده است. در این کتاب ارمیا از قول خداوند می گوید: اگر مردی زن خود را طلاق داده و آن زن، همسر دیگری برگزیند ، شوهر اولش نباید دیگر او را به همسری برگزیند. ارمیا دلیل این کار را فاسد شدن و بی عفت شدن آن زن می داند و مردان را از ارتکاب به چنین ازدواجی باز می دارد.

ج) میزان شیوع طلاق و درجهٔ قباحت آن در عهد جدید

در عهد جدید طلاق زشت تر و قبیحتر از قرآن و عهد عتیق تلقی شده و از اینرو کسی حق انجام آن را ندارد. در انجیل متی می خوانیم وقتی از عیسی درباره طلاق سؤال می کنند او ارتکاب به این کار را به شدت نهی می کند:

« آنگاه بعضی از فریسیان پیش آمدند تا با بحث و گفتگو، او را غافلگیر کنند. پس به عیسی گفتند: « آیا شما اجازه می دهید مرد، زن خود را طلاق دهد؟ »
عیسی جواب داد: « مگر شما کتاب آسمانی را نمی خوانید؟ در کتاب آسمانی نوشته شده است که در آغاز خلقت، پروردگار مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد از پدر و مادر خود جدا شود و برای همیشه به زن خود پیوندد و با او یکی شود. بطوری که آن دو نفر دیگر دو تن نیستند، بلکه یک تن اند. هیچ انسانی حق ندارد آن دو را که خدا به هم پیوسته است، جدا کند. » پرسیدند: « اگر چنین است چرا موسی فرموده که مرد می تواند زنش را طلاق بدهد، و کافی است که طلاقنامه ای بنویسد و به دست زنش بدهد و از او جدا شود؟ »

عیسی جواب داد: « موسی چنین گفت زیرا می دانست شما چقدر سنگدل و بیرحم هستید. اما این چیزی نبود که خداوند در آغاز خلقت در

نظر داشت. و من به شما می گویم که هر کس
زن خود را به هر علتی به غیر از زنا طلاق دهد و
با زن دیگری ازدواج کند ، زنا کار محسوب
می شود .»

متی ، ۱۹ : ۹ - ۳

عیسی با تکیه بر این موضوع که در آغاز خلقت ، خداوند مرد و زن را برای هم
آفرید تا آن دو یک تن شوند ، رابطه تمام مردها و زنها را این گونه دانسته، از اینرو معتقد
است پیوند زناشوئی ، پیوندی خدائی ست که کسی حق بر هم زدن آن را ندارد. او ضمن
سنگدل خواندن مردانی که قصد طلاق زنتان را دارند به این نکته اشاره می کند، که
چنانچه مردی زن خود را طلاق بدهد و با زن دیگر ازدواج کند، رابطه جنسی این مرد با
همسرِ دومش حکم زنا را خواهد داشت . بر اساس این آیات، تنها ارتکاب به زنا ست که به
مرد حق طلاق زن را می دهد و در سایر موارد مرد حق چنین کاری را ندارد.

قیاحت طلاق از نظر عیسی در باب پنجم از انجیل متی نیز آمده است:

«گفته شده است که: اگر کسی می خواهد از

دست زنتش خلاص شود، کافی است طلاقنامه ای

بنویسد و به او بدهد. اما من می گویم هر که

زن خود را بدون اینکه خیانتی از او دیده باشد،

طلاق دهد و آن زن دوباره شوهر کند، آن مرد

مقصر است، زیرا باعث شده زنا کند، و مردی

نیز که با این زن ازدواج کرده، زناکار است.»

متی، ۵: ۳۱-۳۳

عیسی به این نکته اشاره می کند که خداوند نیز قطعاً با بر هم خوردن پیوند زناشوئی بشدت مخالف است. در انجیل مرقس آمده است:

« ولی قطعاً، خواست خدا چنین^۱ نیست. چون خدا

از همان ابتدا، مرد و زن را برای پیوند همیشگی

آفرید. » مرقس، ۱۰: ۶-۷

احکام طلاق در عهد جدید

همانطور که اشاره شد در عهد جدید طلاق بشدت نهی و به دوری از آن توصیه شده است.^۲ در این کتاب، نظرات عیسی درباره طلاق آمده است. بدین صورت که آن را عملی شرم آور و گناهی بزرگ که برخلاف نظر خداوند است معرفی نموده است. در کتاب لوقا آمده است مردی که زن خود را طلاق بدهد و بعد از آن، با زن دیگری ازدواج کند، حکم زنا را دارد. همچنین، اگر مردی با زن طلاق داده شده ای پیوند زناشوئی ببندد مرتکب زنا شده و باید حکم زنا درباره شان اجرا شود.

« هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری

ازدواج کند، زنا می کند و هر مردی نیز

۱- منظور طلاق است.

۲- بر اساس این اصل «... امپراطورهای مسیحی، برای شوهرانی که بدون علت موجه زن خود را طلاق دهند مجازات قائل شده بودند.» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۳۱۲).

که با زن طلاق داده شده ای ازدواج کند،
در واقع مرتکب زنا می شود.»

لوقا، ۱۶: ۱۸

در انجیل مرقس نیز همین موضوع آورده شده است:

« اگر مردی همسرش را طلاق دهد و با زن دیگری
ازدواج کند، نسبت به همسرش زنا کرده است.
همچنین اگر زنی از شوهرش جدا شود و با مرد
دیگری ازدواج کند، او نیز زنا کرده است.»

مرقس، ۱۰: ۱۱-۱۲

آیه دیگری که بصراحت دربارهٔ منع طلاق برای مسیحیان آمده، در کتاب اول
قرنتیان، باب هفتم ذکر شده است. در این آیه پولس نیی بصراحت دستور می دهد، زوجین
نباید پیوند زناشویی خود را بر هم بزنند چون این عمل گناه بزرگی قلمداد می شود:

« در اینجا برای آنانی که ازدواج کرده اند، دیگر نه
یک توصیه، بلکه یک دستور دارم، دستوری که از
جانب من نیست، بلکه خود خداوند آن را فرموده
است، و آن این است که زن نباید از شوهرش جدا
شود.»

اول قرنتیان، ۷: ۱۰

پولس این دستور را از جانب خدا به مسیحیان ابلاغ می کند و آنها را ملزم به

اجرای آن می نماید.

نتیجه گیری

مفهوم طلاق در آیات قرآن، عهد عتیق و عهد جدید آمده و هر سه کتاب، پیروان خود را از ارتکاب به آن نهی می کنند. در این پژوهش، به بررسی میزان شیوع طلاق و درجهٔ قباح آن در قرآن، عهد عتیق و عهد جدید پرداخته و نظر این سه کتاب درباره مفهوم طلاق آورده شد. نکته ای که ذکر آن مهم به نظر می رسد، آن است که اگر چه در سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت مفهوم طلاق مفهومی ناپسند و قبیح معرفی شده است، اما این سه دین دربارهٔ طلاق آداب و قوانین مشابهی نداشته و در آیات مندرج در کتابهای آسمانی شان احکام طلاق یکسان نیست.

در کتاب آسمانی دین مبین اسلام، قرآن، به طلاق توصیه نشده و اصل را بر رفع اختلافات زناشویی (طلاق شرعی و عملی ست) گذاشته است. در این کتاب به همان اندازه که به ازدواج توجه شده، به دوری از طلاق نیز توصیه شده است. با وجود این، طلاق در قرآن، عملی حرام تلقی نشده و چنانچه امید اصلاح و حفظ کانون زناشویی امکان پذیر نباشد، راه طلاق باز است.

در عهد عتیق نظر خداوند درباره طلاق ذکر گردید که، آن را عملی نفرت انگیز معرفی نموده است. در این کتاب از قول موسی می خوانیم، چنانچه مردی بخواهد زنش را طلاق بدهد، می تواند طلاقنامه ای به دست او داده و او را ترک نماید.

در مقایسه با عهد عتیق این مسأله در عهد جدید به گونه ای دیگر آورده شده و احکام شدیدتری برای آن ذکر گردیده است. بر اساس آیات این کتاب، چنانچه مردی زنش را طلاق بدهد مرتکب عملی ناپسند شده است و اگر آن مرد با زن دیگری ازدواج نماید،

حکم زنا را پیدا می کند. در عهد جدید عنوان شده: مرد، زمانی می تواند همسر خود را طلاق بدهد که او مرتکب خیانت یا زنا شده باشد.

در عهد جدید نظر عیسی درباره طلاق آمده است. به نظر او چون خداوند از آغاز مرد و زن را برای هم آفرید، پیوند این دو، پیوندی ناگسستنی ست و کسی حق بر هم زدن آن را ندارد. عیسی عنوان می دارد که خواست خداوند نیز جدائی بین زن و مرد نبوده و با آن مخالف است. همچنین، در این سه کتاب، قوانین و دستورات ویژه ای درباره طلاق ذکر شده است. قرآن اگر چه حق طلاق را به مردان داده اما به آنها نیز توصیه نموده است که با زنان خود، چه در زناشویی و چه هنگام طلاق، بنیکویی رفتار نموده و به حقوق همسر خود پایبند باشند. همچنین از انجام سوگندهائی که حق و حقوق زنان را پایمال می کند - همچون ایلاء - پرهیزند.

بر اساس آیات تورات اگر مردی زنش را طلاق بدهد و آن زن مجدداً ازدواج کند و پس از آن شویش مرده و یا دوباره او را طلاق دهد، زن نمی تواند با شوهر اولش مجدداً ازدواج کند. به نظر حضرت موسی این کار باعث می شود زمین خدا به گناه آلوده شود. حضرت ارمیا نیز علت این کار را فاسد شدن و بی عفت شدن آن زن می داند.

عهد جدید ضمن شرم آور خواندن طلاق، به این نکته اشاره دارد که زنان حق جدائی از شوهرانشان را ندارند. این مطلبی است که در کتاب اول قرنیتان از قول پولس آمده و آن را نه یک توصیه، بلکه دستوری از جانب خدا می داند.

منابع فارسی

۱. ترجمه تفسیری کتاب مقدس. (۱۹۹۵). انگلستان: انجمن بین المللی کتاب مقدس.
۲. حسینی بهشتی، سید محمد و دیگران. (۱۳۵۸). شناخت اسلام. چاپ اول. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۳. سهرابی، ایوب. (۱۳۸۲). خانواده، جمعیت و تنظیم خانواده. چاپ ششم تبریز: نشر اختر.
۴. قرآن کریم. (۱۳۷۹). ترجمه مهدی الهی قمشه ای. چاپ اول. قم: انتشارات مصطفی.
۵. قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه محمد مهدی فولادوند. چاپ اول. قم: دارالقرآن کریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی».
۶. گود، ویلیام جی. (۱۳۵۲). خانواده و جامعه. ترجمه ویدا ناصحی. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. محمدی، مجید. (۱۳۸۰). بر بامهای آسمان. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۸. محمدیان، بهرام و دیگران. (۱۳۸۱). دایره المعارف کتاب مقدس. چاپ اول. تهران: انتشارات روز نو.
۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ هشتم. قم: انتشارات صدرا.
۱۰. هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر.

منابع انگلیسی

- 12) Christenson, Larry. (1970). *The Christian Family*. United States of America: Published by Bethany Fellowship.
- 13) Daugherty, Billy Joe. (1991). *Building Stronger Marriages and Families*. United States of America: Published by Harrison House.
- 14) Norman Wright, H. (1974). *Communication: Key To Your Marriage*. United States of America: Published by Regal Books.
- 15) *The NIV (New International Version Study Bible)*. (1985). United States of America: Published by The Zondervan Corporation